

بررسی و نقد کتاب «اقتصاد بخش عمومی»

خسرو پیرائی*

چکیده

اقتصاد بخش عمومی حضور دولت در اقتصاد را از دو زاویه کارایی و عدالت مورد مطالعه قرار می‌دهد. اقتصاد بخش عمومی سعی در ارائه چارچوبی دارد که بر مبنای آن توضیح دهد آیا دولت در اقتصاد باید دخالت نماید یا خیر؟ همچنین به این سؤالات پاسخ می‌دهد که تا چه حد دولت باید در اقتصاد نقش داشته باشد. آیا مکانیزم بازار در غیاب دولت می‌تواند نتایج مطلوب در برداشته باشد؟ شرط لازم برای موفقیت و آموزش با کیفیت بالا، وجود منابع درسی مناسب و جامع است؟ تلاش در جهت به رشته تحریر درآوردن منابع درسی بخش اقتصاد عمومی لازم، ضروری و قابل تقدیر می‌باشد. کتاب "اقتصاد بخش عمومی" که توسط دکتر یدالله دادگر به رشته تحریر درآمده، کوششی در این زمینه و تلاش ستودنی جهت رفع کمبود منابع مناسب درسی در زمینه اقتصاد بخش عمومی است. این اثر دارای امتیازات و محسنات فراوانی است اما کاستی‌هایی وجود دارد که رفع آن‌ها می‌تواند بر غنی‌تر شدن مباحث کتاب بیفزاید. هدف مقاله بررسی و ارزیابی کتاب و بیان نقاط قوت و کاستی‌ها به منظور افزایش کارایی کتاب مورد نظر می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: اقتصاد بخش عمومی، نقد کتاب، کارایی، عدالت، دولت، تابع محبوبیت.

۱. مقدمه

اقتصاد بخش عمومی یا مالیه عمومی آن بخش از علم اقتصاد است که به مطالعه و تحلیل مالیات و مخارج دولت می‌پردازد. اقتصاد بخش عمومی حضور دولت در اقتصاد را از دو زاویه کارایی و عدالت مورد مطالعه قرار می‌دهد. عبارت ساده‌تر اقتصاد بخش عمومی سعی در ارائه چارچوبی دارد که بر مبنای آن توضیح دهد آیا دولت در اقتصاد باید دخالت

* دانشیار اقتصاد، دانشگاه مازندران، Kh.pirae@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۸/۱۳، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۱۱/۱۰

نماید یا خیر؟ همچنین به این سؤالات پاسخ می دهد: تا چه حد دولت باید در اقتصاد نقش داشته باشد؟ آیا مکانیزم بازار در غیاب دولت می تواند نتایج مطلوب در بر داشته باشد؟ تدریس درس اقتصاد بخش عمومی به دانشجویان رشته اقتصاد و سایر رشته ها حائز اهمیت فراوان است. شرط لازم برای موفقیت و آموزش با کیفیت بالا، وجود منابع درسی مناسب و جامع است. متأسفانه اقتصاد بخش عمومی با کمبود و حتی می توان گفت فقدان کتاب درسی مناسب و جامع مواجه می باشد. این در حالی است که در سایر گرایش های اقتصاد مثل اقتصاد خرد، اقتصاد کلان و اقتصاد سنجی، وضعیت این گونه نیست. هر چند منابع مناسب به زبان انگلیسی برای این درس موجود است. از جمله آنها می توان به کتب "هاروی رزن و تد گایر" (Harvey Rosen & Ted Gayer)، "جکسون و براون" (Brown & Jackson) و "مسگریو و مسگریو" (Richard Musgrave & Peggy Musgrave) اشاره نمود. دانشجویان در استفاده از منابع فوق علی رغم محسنات و مزایای بسیار با دو مسأله عمده مواجه می باشند.

۱- لزوم سطح دانش کافی زبان انگلیسی که در صورت فقدان، امکان بهره مندی از این منابع میسر نخواهد شد.

۲- مصادیق و مثال هایی که در این منابع ذکر می گردد بطور عمده به اقتصادهای از قبیل آمریکا، اتحادیه اروپا و سایر کشورها مربوط است در حالی که ضرورت دارد مثال های کاربردی متناسب با اقتصاد ایران در منابع یافت شود.

براین اساس هر گونه تلاش در جهت به رشته تحریر درآوردن منابع درسی بخش اقتصاد عمومی لازم، ضروری و قابل تقدیر می باشد. کتاب "اقتصاد بخش عمومی" که توسط استاد ارزشمند دکتر یدالله دادگر به رشته تحریر درآمده، کوششی در این زمینه و تلاش ستودنی جهت رفع کمبود منابع مناسب درسی در زمینه اقتصاد بخش عمومی است. این کتاب منبعی جامع و دارای نثری روان و قابل فهم برای آموزش درس اقتصاد بخش عمومی در مقطع کارشناسی و بخش هایی از آن برای کارشناسی ارشد اقتصاد (مناسب) می باشد.

هرچند این اثر دارای امتیازات و محسنات فراوانی است اما کاستی هایی وجود دارد که رفع آن ها می تواند بر غنی تر شدن مباحث کتاب بیفزاید. لازم به تذکر است هدف مقاله افزایش کارایی کتاب مورد نظر بوده و ذکر کاستی ها به هیچ عنوان از ارزش و امتیازات فراوان آن نمی کاهد.

در نوشتار حاضر ابتدا ابعاد شکلی و در ادامه، ابعاد محتوایی اثر مورد تحلیل و بررسی قرار می‌گیرند. در پایان، مطالب ارائه شده در قالب یک جمع بندی آورده شده و سپس نتیجه گیری نقد کتاب ارائه می‌گردد.

۲. معرفی کلی اثر

کتاب اقتصاد بخش عمومی نوشته دکتر یدالله دادگر حاصل تجارب سالها تدریس دروس مختلف بخش عمومی توسط نگارنده در دانشگاه های مختلف و در مقاطع کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری است. این کتاب با هدف پر کردن خلأ موجود یک منبع درسی کارا، جامع و روان به رشته تحریر درآمده است. این اثر در ۴۸۸ صفحه با شمارگان ۱۰۰۰ جلد به چاپ رسیده و با قیمتی مناسب برای فروش عرضه شده است.

۳. تحلیل ابعاد شکلی اثر

کتاب حاضر از نظر رنگ و طراحی روی جلد مناسب است. هرچند به نظر می‌رسد یک بازنگری در طرح روی جلد باعث خواهد شد این اثر جلوه ظاهری بهتری داشته باشد. بدیهی است که هر قدر یک منبع درسی از نظر شکل ظاهری در وضعیت بهتری باشد دانشجویان و مدرسین را به مطالعه آن راغب تر خواهد نمود.

هدف اصلی این اثر چه در پیشگفتار چاپ اول و چه در پیشگفتار چاپ سوم به شکل صریح، روشن و قابل فهم ارائه شده است. مقدمه مناسبی هم برای آن به رشته تحریر درآمده است. پیشنهاد می‌گردد این بخش از نظر نگارش و ویرایش با حفظ انسجام قوی تر مطالب اصلاح گردد.

شیوه حروف نگاری، صفحه آرایی و کیفیت چاپ کتاب مناسب و درخور یک اثر درسی دانشگاهی است. بدون شک یک بازنگری کلی در مورد محل قرار گرفتن نمودارها و توضیحات مربوط به آنها در صفحه می‌تواند باعث استفاده بهتر خوانندگان از مطالب کتاب گردد.

مهمترین موضوعی که بایستی در شکل ظاهری کتاب مورد بازنگری قرار گیرد اصلاح غلط های املائی است.

۴. تحلیل ابعاد محتوایی

کتاب حاضر دارای محتوای مناسب و کاملی برای دروس اقتصاد بخش عمومی در مقطع کارشناسی می باشد. مطالب خوب، مفید، مؤثر و در حوصله درک و فهم دانشجویان این مقطع انتخاب شده اند. می توان گفت مطالب عنوان شده تا حد زیادی توانسته است خلأ موجود کتب درسی را در زمینه اقتصاد بخش عمومی برطرف نماید. در ادامه مطلب به نکاتی پرداخته می شود که اصلاح آنها می تواند موجب افزایش کارایی و ارتقاء اثر از جهت محتوا گردد.

۱.۴ نظم و انسجام مطالب در هر فصل

کتاب حاضر به لحاظ محتوا، مطالبی مفید و مناسب دارد. اما به نظر می رسد بهتر است از نظر انسجام مطالب در هر فصل، مورد بازنگری قرار گیرد. در ادامه به ذکر دو مورد اکتفا می گردد:

۱. در صفحه ۸۰ کتاب از فصل ۴، زیر عنوان "کالای عمومی خالص و ناخالص" توضیحاتی با هدف آشنایی خواننده با این موضوع و درک تفاوت ارائه شده است. در حالیکه ممکن است خواننده پس از مطالعه این بخش به تفاوت کالای عمومی خالص و ناخالص پی نبرد. دلیل این امر، عدم اشاره صریح به کالای عمومی ناخالص است.
۲. در صفحه ۸۴، مطلبی ارائه شده با عنوان "قیمت گذاری کالای عمومی خالص". این موضوع به جا و متناسب با سرفصلی که در صفحه ۸۱ ذکر شده می باشد اما اگر نگارنده به جای ارائه توضیحات مجمل، فصل جداگانه ای را به این موضوع اختصاص می داد، این مطلب بهتر ارائه می شد.

۲.۴ منابع مورد استفاده و شیوه استنادات و ارجاعات

در نگارش این اثر از منابع به روز، جامع و معتبر استفاده شده که خود این منابع می توانند برای تکمیل مطالعات، مورد ارجاع دانشجویان و اساتید قرار گیرند. در ادامه به نکاتی اشاره می گردد که توجه به آنها می تواند زمینه بهره گیری بهتر خوانندگان را از منابع به کار رفته در نگارش کتاب فراهم آورد:

۱- سال نگارش بعضی از منابع در داخل کتاب و در فهرست منابع با هم متفاوت است. به عنوان مثال در صفحه ۳۴۲ به کتاب "رزن" ارجاع داده شده و سال انتشار کتاب،

۲۰۰۴ ذکر گردیده است. اما در فهرست منابع، سال انتشار کتاب ۲۰۰۵ عنوان شده است. (منبع شماره ۱۶۶)

۲- بعضی از منابع هم از سطح علمی خوانندگان کتاب (دانشجویان کارشناسی اقتصاد) بالاتر است و هم در متن کتاب به آنها ارجاعی داده نشده است. به عنوان مثال می توان به منابع ۱۳ و ۱۴ کتاب شناسی اشاره نمود.

۳- بعضی از مطالب کتاب به منبع دست اول ارجاع داده نشده است. به عنوان مثال در صفحات ۲۴۰ و ۲۴۱ کتاب، مطلبی در ارتباط با معیار اتکینسون مطرح نموده است. مطلب فوق را در زیر نویس ۱ صفحه ۲۴۰ به منبعی ارجاع داده شده در حالی که منبع ارجاع داده شده خود مطلب را از منبع دیگری گرفته و در زیر نویس صفحه ۴۸ منبع اصلی را ذکر کرده است.

۴- مطالب ترجمه شده در گیومه آورده نمی شود. به عنوان مثال در سطر چهارم صفحه ۶۲ مطلبی که در گیومه ذکر گردیده ترجمه است، بنابراین نیازی نیست در داخل گیومه آورده شود.

به طور خلاصه، کتاب حاضر علی رغم انتخاب مطالب مفید و متناسب با سطح علمی دانشجویان رشته اقتصاد در مقطع کارشناسی نیاز به بازنگری دقیق تری در بخش ارجاع و ذکر منابع مورد استفاده دارد. این بازنگری از طرفی باعث مستندتر شدن مطالب شده و از طرف دیگر، می تواند به بهره برداران علاقمند کتاب کمک نماید تا مطالعات خود را از طریق منابع دست معتبر تکمیل نمایند.

۵. تحلیل و بررسی

از جمله نقاط قوت کتاب، تلاش نگارنده در جهت تجزیه و تحلیل مسایل با رویکرد علمی و رعایت بی طرفی بوده است، که در کل نوشتار به خوبی صورت پذیرفته است. به علاوه کوشش شده تا با استفاده از بیان تقابلی بین آرا و نظرات مختلف و نقد آنها در مواردی که امکان داشته مطالب بهتر و کاراتر ارائه شوند.

نگارنده سعی نموده مطالب را به شکلی کاربردی و منطبق با اقتصاد ایران ارائه نماید. همچنین آمارهای به روز و مرتبط هم از اقتصادهای مهم جهان بسته به نیاز مطلب ذکر شده اند که شیوه جدیدی در ارائه مطالب بخش عمومی به حساب می آید و از این حیث،

جنبه نوآوری این اثر نیز از نقاط قوت بحساب می آید. طرح موضوعاتی از قبیل قضایای (اساسی) اقتصاد رفاه، اخلاق و رفتار اخلاقی، اقتصاد سیاست و دیدگاه داونز (Downs)، تابع محبوبیت (popularity function) فری (Frey) و اشنایدر (Schneider) و مباحث پیرامون انتخاب عمومی، نظریه اقتصاد سیاسی قانون اساسی، توزیع درآمد، فقر و نابرابری و دور کسب و کار (business cycle) سیاسی و اقتصادی از جمله امتیازات و نکات مثبت کتاب می توان بحساب آورد.

مطالب موجود در کتاب چه از نظر حجم و چه از نظر محتوا، منطبق با سطح معلومات دانشجویان رشته علوم اقتصادی در مقطع کارشناسی و سرفصل مصوب وزارت علوم است. البته به نظر می رسد نیاز است مطالب مرتبط با موضوعاتی مثل قیمت گذاری در بخش عمومی و تجزیه و تحلیل هزینه فایده مخارج عمومی مورد بازنگری قرار گرفته و تکمیل گردد.

از جمله کاستی اثر در این بخش را فقدان پرسش ها و تمرینات مناسب در پایان هر فصل با هدف تکمیل و مرور مطالب عنوان شده دانست که لازم است نگارنده به این بخش هم توجهی ویژه نماید.

۱.۵ کیفیت، میزان کاربرد و معادل سازی اصطلاحات تخصصی

نگارش یک اثر در موضوع تخصصی بدون به کار بردن اصطلاحات فنی و تخصصی مربوط امکان پذیر نیست و کتاب حاضر را نیز نمیتوان از این قاعده مستثنی دانست. لازم است برای مفاهیمی که بفارسی معادل سازی شده مفاهیم بزبان اصلی در زیر نویس آورده شود. بعنوان مثال در صفحه ۱۴۵ بدون آوردن مفهوم بزبان اصلی به معادل فارسی "هزینه تخصیصی" اشاره شده است. بنظر می رسد "هزینه تخصیصی" معادل فارسی (external cost) باشد. در این صورت "هزینه تحمیلی" معادل فارسی مناسب تر برای (external cost) می توان بحساب آورد. همچنین در صفحه ۱۴۹ بدون آوردن مفهوم بزبان اصلی از معادل فارسی "هزینه کل" استفاده شده است. بنظر می رسد "هزینه کل" معادل فارسی برای (Political Interaction cost) باشد. در این صورت "هزینه عکس العمل سیاسی" معادل فارسی مناسب تر برای (Political Interaction cost) می توان مطرح نمود. برای "Common Goods" معادل فارسی "کالای همگانی" نسبت به "کالای مختلط" مناسب تر به نظر می رسد. همین طور در توضیح مدل تقاضای کالای عمومی ساموئلسون از اصطلاح

"تقاضای کاذب" یا "شبه تقاضا" استفاده شده بدون آن که معادل انگلیسی آن یعنی "Pseudo Demand" ذکر گردد. در زیر نویس ۳ صفحه ۱۲۲ به اصطلاح تخصصی "External Cost" اشاره شده در حالی که در متن به معادل فارسی آن اشاره نشده است. معادل فارسی آن می تواند "عوامل بیرونی (یا پیامد جانبی) مضر" باشد. در سطر نخست و زیر نویس ۲ صفحه ۱۲۵ برای اصطلاح "External Benefit" از معادل فارسی "منفعت نهایی پیامدی" استفاده شده، "عوامل بیرونی (یا پیامد جانبی) مفید" معادل فارسی مناسب تر بنظر می رسد. و موارد دیگر.

ضمناً "کارایی بهینه در مصرف" و "کارایی بهینه در تولید" عنوان مناسبی نیست. یکی "کارایی" یا "بهینه" کفایت می کند. همچنین در صفحه ۲۹ عنوان "تحلیل ساده ریاضی-هندسی" مبهم است. معلوم نیست این تحلیل برای چه منظوری است؟ ضمن آنکه نمودار (۱-۲) نیز تعادل مصرف کننده است و تحلیلی ارائه نمی کند. مطالب زیر نمودار (۲-۲) اشکال داشته و نیاز به اصلاح دارد. بعلاوه عنوان در صفحه ۲۴۸ مبهم می باشد. چنانچه کارایی مصرف، کارایی تولید و کارایی تولید و مصرف همزمان تعریف شوند و شرط کارایی مفهومی، ریاضی و هندسی بیان شود بر قوت مباحث فوق می افزاید.

۶. چند نکته قابل تأمل

۱- موضوعات مطرح شده در اقتصاد بخش عمومی در دو پایه "عدالت" و "کارایی" مورد مطالعه و بررسی قرار می گیرند. بنابراین توصیه می شود این موضوع در تعریف اقتصاد بخش عمومی و توضیحاتی که برای سایر مسایل ارائه می شوند مورد تأکید قرار گیرند.

۲- دولت در تعیین سیاست اقتصادی با دو هدف متضاد مواجه است. از یک طرف دولت این هدف را دنبال می کند که فعالیت های اقتصادی به گونه ای انجام شوند که بهترین استفاده از منابع بعمل آید. این وجه کارایی است که مد نظر هر دولت می باشد. از طرف دیگر منافع حاصل از فعالیت های اقتصادی دولت باید بطور مناسب توزیع گردد و این وجه عدالت و هدفی است که دولت در تعیین سیاست اقتصادی تعقیب می کند. مشکلی که وجود دارد آن است اغلب کارایی و عدالت در مقابل یکدیگر قرار می گیرند. در بسیاری از موارد کارایی استفاده از منابع منجر به توزیع نا عادلانه می گردد. همچنین توزیع مناسب به بهای نا کارآمدی تخصیص منابع امکان پذیر می شود. با توجه به این واقعیت،

ضروری است رابطه مبادله مناسبی میان کارایی و عدالت برقرار گردد. این موضوع به اهمیت نسبی کارایی و عدالت در هر زمینه بستگی دارد.

۳- آدام اسمیت سه نقش برای دولت قائل است. ۱- دولت باید جامعه را از خشونت و تهاجم دیگر جوامع محافظت نماید. ۲- دولت باید تا جایی که امکان دارد هر عضو جامعه را در مقابل ظلم و ستم توسط هر عضو دیگر حفاظت نماید. همچنین دولت وظیفه دارد عدالت را بطور صحیح برای شهروندان اجرا و برقرار سازد. ۳- دولت وظیفه دارد نهادهای عمومی و خدمات عام المنفعه ای که بیشترین منافع برای اکثریت جامعه داشته بدون آنکه هزینه ای متوجه کسی نماید، از قبیل جاده، مدارس و غیره را ایجاد و حفظ نماید.

۴- اقتصاد رفاه شعبه ای از علم اقتصاد است که بر تخصیص بهینه منابع و کالاها و چگونگی تأثیر آن‌ها بر رفاه اجتماع تمرکز دارد. رفاه اقتصادی سطح عمومی رضایتمندی اقتصادی و کامیابی جامعه می باشد. رفاه اقتصادی را می توان با میزان اشتغال، جبران گرامت بیکاری، برخورداری از منافع کالای عمومی و تأمین اجتماعی سنجید.

۵- قضایای اساسی اقتصاد رفاه (fundamental theorems of welfare economics) شامل قضیه اساسی نخست اقتصاد رفاه (fundamental theorem of welfare economics first) و قضیه اساسی دوم اقتصاد رفاه (fundamental theorem of welfare economics second) می گردد. طبق قضیه اساسی نخست اقتصاد رفاه یا قضیه دست نامرئی (invisible hand theorem) تعادل رقابت منجر به تخصیص کارآمد پارتو می گردد. بعبارت دیگر هر تخصیص تعادل والراسی کارآمد پارتو می باشد. ایده اصلی این قضیه آن است که بازار رقابتی بهینه اجتماع را بدنبال دارد. بنابراین ضرورتی ندارد دولت در اقتصاد دخالت داشته باشد. در نتیجه دولت باید سیاست های "عدم مداخله" ("laissez faire") را پیشه گیرد. قضیه اساسی دوم اقتصاد رفاه مطرح می نماید با فرض آنکه مکانیزم بازار توزیع را اصلاح نماید، هر تخصیص کارآمد از تعادل رقابتی می تواند بدست آید. هر تخصیص کارآمد پارتو تحت شرایط تعادل والراسی حاصل می شود. اهمیت این قضیه در آن است که تفکیک مسائل کارایی و توزیع امکان پذیر است.

۶- کالای خصوصی به کالایی گفته می شود که در مصرف رقابتی بوده یعنی مصرف فرد، مصرف دیگری را کاهش دهد و محروم پذیر باشد بعبارت دیگر منافع کالا به دارنده منحصر بفرد آن کالا می رسد و دیگری از داشتن آن کالا محروم است. کالای عمومی کالایی است که یک یا هر دو خصوصیات فوق (رقابتی و محروم پذیری) را نداشته باشد

در خصوص خاصیت استثنا پذیری (محروم پذیری) محرومیت فرد مطرح نیست بلکه محرومیت از مصرف مورد نظر است.

باتوجه به دو خصوصیت رقابت پذیری و استثنا پذیری می توان کالاها را به چهار دسته همانطور که در جدول زیر نشان داده شده تقسیم کرد.

		استثنا رقابت
ناپذیر	پذیر	پذیر
ب	الف	ناپذیر
د	ج	

کالای دسته (الف) که رقابت پذیر و استثناپذیر است کالای خصوصی می باشد. کالای دسته (ب) گرچه رقابت پذیر است اما استثنا ناپذیر می باشد و کالای عمومی یا عمومی ناخالص بعبارت دیگر کالای همگانی می باشد. کالای دسته (ج) نیز گرچه رقابت ناپذیر است اما استثناپذیر می باشد و کالای عمومی یا عمومی خالص بعبارت دیگر کالای اجتماعی بحساب می آید. کالای دسته (د) که رقابت ناپذیر و استثناپذیر است کالای عمومی یا عمومی محض می باشد.

۷- نکته مهم در تعریف پی آمد جانبی، نا خواسته (بدون قصد قبلی) بودن اثر می باشد و ضرورت دارد در تعریف مورد تأکید قرار گیرد. پی آمد مالی (pecuniary externality) تغییر از یک تعادل به تعادل دیگر است و دولت نقشی در خصوص آن ندارد.

۸- در خصوص انتقاد رفاه لیبرالیستی به رفاه پارتویی لازم به تأکید است، انتقاد اقتصاد لیبرال یا مکتب اتریشی به اقتصاد نئو کلاسیک است. آنان دو انتقاد اساسی به رفاه پارتویی مطرح می نمایند. یک انتقاد آن است که اصل پارتو به ویژگی فردی توجه دارد، لذا نمی تواند بعنوان قاعده اجتماعی مورد استفاده قرار گیرد. انتقاد دیگر به این صورت مطرح شده است که معیارهای مختلف تصمیم گیری در اقتصاد رفاه بر ذهنیت تکیه دارند و از جنبه اثبات گرایی، قضاوت ارزشی غیر علمی بحساب می آید.

۹- از آنجایی که در رسم نمودار ذکر محدب یا مقعر به تنهایی کفایت نمی کند. لذا لازم است در خصوص بعنوان مثال انحناء "منحنی تولید یکسان" مطرح شود منحنی تولید یکسان نسبت به مرکز مختصات محدب است. بکارگیری طول و عرض برای "جعبه اج ورث"، مناسب نیست. بهتر است به محور افقی و محور عمودی اشاره شود. برخی

نمودارها نیاز به اصلاح دارند. بعنوان مثال به موارد زیر می توان اشاره داشت. نمودار (۹-۲) نیاز به اصلاح دارد. محور افقی، "مطلوبیت" صحیح است و منحنی بصورت مقعر نسبت به محور افقی (مطلوبیت) رسم شود.

۱۰- بر اساس معیار رفاهی مطلوبیت گرایان، سیاستی مناسب است که باعث شود رفاه کل (نه بیشترین افراد) حداکثر شود.

۱۱- پیشنهاد می گردد: مطالب ابتدایی فصل سوم تا قسمت (۳-۲) صفحه ۶۰ به فصل اول منتقل شود و عنوان فصل سوم به "موجبات واگذاری فعالیت های اقتصادی به دولت" و یا "موجبات دخالت دولت در اقتصاد" تغییر یابد. قیمت گذاری در بخش عمومی بحث مفصلی دارد بصورت بخش کوچک در فصل سوم نمی گنجد فصل مستقل می توان به آن اختصاص داد. اندازه دولت نیز با توجه به گستردگی مباحث آن می تواند فصل مستقلی را بخود اختصاص دهد. اندازه دولت از جهات مختلف مورد مطالعه قرار می گیرد. یک بحث مهم اندازه دولت تعیین حد بهینه آن است که مسائل و دیدگاه های متعددی مطرح گردیده است. همچنین از جهت تأثیر اندازه دولت بر متغیر های مهمی مثل رشد اقتصادی، رفاه اجتماعی، توزیع درآمد و عوامل دیگر مورد توجه می باشد.

۱۲- بهتر است تفسیر پیگو از تهیه کارآمد (بهینه) کالای عمومی با رسم نمودار همراه شود. همچنین توصیه می شود در بخش (۴-۲) تهیه کارآمد (بهینه) کالای عمومی ابتدا توضیحات لازم در خصوص تفاسیر (الگوها) مختلف داده شود سپس در زیر بخش های آن همانند (۴-۲-۱) تفسیر پیگو (۴-۲-۲) تفسیر ساموئلسن و سایر تفاسیر مثل (۴-۲-۳) تفسیر ویکسل لیندال (Wicksell- Lindahl) آورده شود. در این قسمت به الگوی تایوت اشاره شده است. از آنجاییکه نسبت به سایر مباحث متفاوت می باشد بهتر است بطور جداگانه و تحت عنوان "کالای عمومی محلی" توضیح دقیق تر داده شود.

۱۳- در صفحه ۹۹ سطر سوم از آخر صفحه "لزوماً" به "قطعاً" اصلاح شود. قطعاً در نقطه حداکثر منحنی امکانات مصرف قرار ندارد. در زیر نویس همین صفحه در تعریف منحنی امکانات مصرف بعد از شخص A، این مطلب اضافه شود: "به ازاء مطلوبیت معین فرد B."

۱۴- الگوی پیکاک و وایزمن یکی از الگوهای مهم تجزیه و تحلیل هزینه های عمومی است. این الگو دلیلی برای علت رشد هزینه های عمومی ارائه نمی کند، به نقش عامل بحران در رشد هزینه های عمومی می پردازد. هزینه های عمومی قبل، حین و بعد از بحران

یک مسیر رشد تدریجی دارد. پیکاک و وایزمن در مطالعه خود به جنگ به عنوان بحران اشاره دارد و مطرح می نماید در اثر جنگ سه اثر اتفاق می افتد. یکی اثر جابجایی (Displacement Effect) که با وقوع جنگ اتفاق می افتد. در اثر جنگ دولت از سایر هزینه‌ها کاسته و به هزینه‌های عامل بحران (جنگ) اضافه می نماید. با توجه به اثر جابجایی و شناختی که بوجود می آید موجب می شود دولت و مردم به بررسی و ارزیابی اقدامات قبل پرداخته و راه حلی برای مسائل بیابند و این اثر آگاهی یا شناخت (Inspection Effect) می باشد. البته اثر دیگری تحت عنوان اثر تمرکز (Concentration Effect) که رشد هزینه‌های عمومی را بدنبال دارد مطرح شده است.

۱۵- کالای عمومی محلی (local public goods) وجه اشتراک و اختلاف با کالای خصوصی و همین طور با کالای عمومی دارد. تولید بهینه کالای عمومی از طریق جریان سیاسی تعیین می شود اما برای کالای عمومی محلی راه حل از نوع بازار مناسب و کارآمد پاریتو (Pareto) را نتیجه می دهد. لذا اقتضا می کند کالای عمومی محلی تحت سرفصل مستقل مطرح شده و تولید بهینه هر کدام بطور جداگانه مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرند.

۱۶- در زیر نویس ۲ صفحه ۱۰۹ و با ذکر مثال و آوردن "نمودار (ض ۴-۳)" نمونه‌ای از تعادل نش "به تعادل نش" اشاره گردیده است. اولاً "نمودار" صحیح نیست و "ماتریس بازی" بکار برده شود. بعلاوه استراتژی‌های بازیگر A "راست" و "چپ" می باشد. ثانیاً تعادل نش وقتی است که یک یا هر دو بازیگر استراتژی مسلط داشته باشند در حالی که در این مثال هیچ یک از بازیگران استراتژی مسلط ندارند. تعادل نش (چپ-بالا) و (راست-پایین) می باشد.

۱۷- قواعد رأی گیری متعدد می باشد. می توان به قواعد رأی گیری بر حسب اکثریت (Majority Voting) رأی گیری بر حسب رتبه (Plurality Voting) و رأی گیری بر حسب امتیاز (Point Voting) اشاره داشت.

با توجه به آنکه انتخاب اجتماع در رأی گیری بر حسب اکثریت، منطبق بر رجحان طلبی رأی دهنده میانه است به آن رأی گیری میانه (Median Voting) نیز گفته می شود. چنانچه رجحان طلبی افراد مطابق جدول (۶-۱) صفحه ۱۴۱ باشد، رأی گیری اکثریت منتهی به نتیجه نمی شود و معمای (تناقض) رأی گیری وجود دارد. معمای (تناقض) رأی گیری بخاطر آن است که رجحان طلبی فرد یا افرادی یکسر (Single Peaked) نمی باشد. بعبارت دیگر رجحان طلبی فرد یا افرادی دو یا چند سر (Multiple Peaked) است.

۱۸- مباحثی مثل "مالیات و توزیع درآمد"، "مالیات بر درآمد اشخاص"، "مالیات بر شرکت‌ها" و "مالیات بر ارزش افزوده" تحت سرفصل مستقل و همچنین طرح موضوعاتی مثل "نرخ و پایه مالیاتی"، "کوشش و ظرفیت مالیاتی"، "انتقال مالیاتی" و "اصابت مالیاتی" می‌تواند بر جامعیت و کیفیت محتوای کتاب بیفزاید.

۱۹- تولید بنگاه بر هزینه بنگاه دیگر و مطلوبیت می‌تواند اثر بگذارد. این موضوع در ارتباط با مصرف هم می‌تواند صادق باشد. به این معنی که مصرف فرد بر مطلوبیت فرد دیگر می‌تواند اثر گذارد. این اثر ناخواسته ناشی از فعالیت تولیدی و یا مصرف بر هزینه بنگاه دیگر و مطلوبیت پیامد جانبی (عوامل بیرونی) گویند. پیامد جانبی موجب تخصیص نامطلوب منابع می‌گردد.

۲۰- در صفحه ۱۲۱ کتاب، متغیری به نام Z (که نشان دهنده پیامد جانبی به شکل هزینه در تولید است) در تابع تولید وارد گردیده است. تابع تولید بر حسب مقادیر فیزیکی نهاده‌ها بیان می‌گردد. بنابراین Z که متغیری از جنس هزینه است نمی‌تواند در تابع تولید سایر بنگاه‌ها وارد شود. بعلاوه پیامد جانبی بدون قصد قبلی است و در پروسه تصمیم‌گیری بنگاه وارد نمی‌شود و تخصیص نامطلوب منابع را بدنبال دارد. جهت اصلاح تخصیص اقدام دولت لازم می‌گردد.

۲۱- نمودارها نیاز به اصلاح دارند و می‌بایست مورد بازبینی دقیق قرار گرفته و اصلاح شوند. بعنوان مثال نمودار (۴-۴) الگوی "ویکسل - لیندال" در صفحه ۱۰۴ کتاب با توجه به آنکه الگوی لیندال را در جعبه اجورث (Edgeworth box) نشان داده نیاز به اصلاح دارد. با O_B مرکز مختصات، منحنی BB شیب صعودی دارد و نمی‌تواند تقاضای فرد B باشد. O_B می‌بایست در سمت چپ و بالای O_A جایی که $(f = 1)$ است قرار گیرد. در آن صورت سهم مالیات پرداختی توسط B یعنی $(1-f)$ در O_A برابر یک و یا $(f = 0)$ خواهد بود.

۲۲- در الگوی "ویکسل - لیندال" "اتفاق آراء" موضوعیت ندارد. در این الگو و یا بعبارت دیگر "الگوی شبه بازاری" (Quasi Market Approach) سهم مالیات پرداختی توسط افراد از طریق تلاقی عرضه و تقاضا تعیین می‌گردد. برای فرد A منحنی BB به منزله عرضه و برای فرد B نیز منحنی AA به منزله عرضه خواهد بود. منحنی تقاضای لیندال از نظر ماهیت همانند منحنی تقاضای کالای خصوصی بوده و بوسیله منحنی مطلوبیت و خط بودجه استخراج می‌گردد و با منحنی تقاضای کاذب (Pseudo) ساموئلسن متفاوت است.

۲۳- شرایط پنجگانه "ارو" برای رسیدن از ترجیحات فردی به ترجیحات اجتماع عبارتند از: ۱- شرط عقلایی، ۲- استقلال از گزینه های نامربوط، ۳- اصل پارتو، ۴- تحمیلی نبودن: اگر سه فرد و یک انتخاب بین A و B مطرح باشد، فرد یک A را به B، فرد دو B را به A و فرد سه نیز B را به A ترجیح دهند. چنانچه جامعه A را به B ترجیح دهد، تحمیلی خواهد بود. ۵- دیکتاتوری نبودن: ترجیحات اجتماع نباید منطبق ترجیحات فرد بخصوص، بدون توجه به ترجیحات سایر افراد، باشد. "ارو" می گوید امکان ندارد همه این پنج شرط برقرار باشد، حداقل یکی از این شروط نقض می گردد و این قضیه عدم امکان "ارو" می باشد. در صفحه ۱۴۱ و مثال مطرح شده در جدول (۱-۶) معمای رأی گیری اکثریت می باشد و ارتباطی با قضیه عدم امکان "ارو" و یا قضیه عدم امکان "سن" ندارد. این مثال معمای رأی گیری است. "ارو" استدلال می کند وقتی رجحان طلبی فرد یا افرادی "یک قله ای" (Single peaked) نباشد، امکان معمای رأی گیری وجود دارد و رأی گیری اکثریت منتهی به نتیجه نمی شود.

۷. مقایسه با سایر کتاب های اقتصاد بخش عمومی

کتاب حاضر در مقایسه با کتاب های دیگر در این زمینه امتیازات زیادی برخوردار است. به روز بودن مباحث، طرح موضوعات جدید از قبیل کاربرد نظریه بازی، قضایای (اساسی) اقتصاد رفاه، اخلاق و رفتار اخلاقی، نظریه اقتصادی سیاست، دیوان سالاری، تابع محبوبیت، مباحث پیرامون انتخاب عمومی، نظریه اقتصاد سیاسی قانون اساسی، توزیع درآمد، فقر و نابرابری و دور کسب و کار همچنین توجه توأمان به جنبه های علمی و کاربردی، طرح مطالب مفید و متناسب با سطح علمی دانشجویان رشته اقتصاد در مقطع کارشناسی و به صورت کاربردی و منطبق با اقتصاد ایران از جمله امتیازات این کتاب در مقایسه با دیگر کتاب های در این زمینه می توان بر شمرد.

"انتخاب دسته جمعی و مسأله دیوان سالاری"، "نظریه انتخاب عمومی"، "نقش دولت در تثبیت اقتصادی، توزیع درآمد و مبارزه با فقر"، "بودجه و عملکرد مالی دولت ها"، "مالیات و یارانه"، "ارزیابی طرح های دولتی، تأمین اجتماعی و قرضه ملی"، "طرح های اقتصادی دولت ها در تحلیل هزینه - فایده"، "تعدیل اقتصادی، خصوصی سازی و دیگر موضوع های اقتصاد بخش عمومی"، و دولت الکترونیک را فصل های متمایز کننده این کتاب نسبت به کتاب های مشابه می توان بحساب آورد.

طرح مباحثی از قبیل "فضایای اساسی رفاه اقتصادی"، "انتقاد اقتصاد لیبرال و مکتب اتریشی به رفاه پارتویی" و با اضافه نمودن تناقض "سن (Sen's paradox) یا قضیه عدم امکان "سن" (Sen's impossibility theorem)، "الگوی انجمن (باشگاه) بوکانن" و "الگوی کلای عمومی محلی تایبوت" و همچنین مطرح نمودن مفاهیم اقتصادی-سیاسی از قبیل "تابع محبوبیت دولت" که می توان به آن "توابع رأی و محبوبیت" ((VP-Functions Vote and popularity functions) و "تابع عکس العمل سیاست" (policy reaction function) را اضافه نمود، از جمله نقاط قوت و وجه امتیاز کتاب نسبت به دیگر کتاب های اقتصاد بخش عمومی می توان برشمرد. برونو فری (Bruno Frey) و فردریک اشنايدر (Friedrich Schneider) رابطه متقابل میان متغیرهای سیاسی و اقتصادی را تحت توابع "محبوبیت" و "عکس العمل سیاست" مطرح نمودند و مورد آزمون قرار دادند. تابع محبوبیت ترجیحات افراد را نسبت به متغیرهای اقتصاد کلان نشان می دهد. تابع محبوبیت را می توان از جنبه های مختلف منجمله از جنبه اقتصاد کلان و به ویژه در ارتباط با بیکاری و تورم ساخت و آزمون کرد. بدون تردید بیکاری و تورم اثر منفی بر محبوبیت دولت می گذارد. توابع رأی و محبوبیت بیانگر حمایت از دولت با توجه به رأی و نظرسنجی توسط متغیرهای اقتصادی و سیاسی می باشد. ادبیات در این زمینه به بیش از نیم قرن بر می گردد. تحقیقات بسیار زیاد و صدها عنوان مقاله و کتاب در خصوص توابع رأی و محبوبیت ارائه شده است. اما کتاب حاضر و مقاله تحت عنوان "تکثری بودن اقتصاد سیاسی" (یداله دادگر، ۱۳۸۴) نویسنده محترم کتاب محدود منابع در ارتباط با توابع رأی و محبوبیت در داخل کشور بحساب می آیند.

۸. نتیجه گیری

کتاب اقتصاد بخش عمومی اثر دکتر یداله دادگر اثری است ارزشمند و مفید و حاصل تلاش نگارنده در جهت پر نمودن خلأ موجود در بین منابع آموزش اقتصاد بخش عمومی، بدون شک، کتاب حاضر منبعی مفید، کارا، جامع با متنی روان و قابل فهم برای دانشجویان علوم اقتصادی خواهد بود. موضوعات و مباحث مهم و مناسبی مطرح شده است. پرداختن به جنبه های کاربردی مباحث از محسنات و امتیازات کتاب می باشد. بدون شک با بازنگری و بازبینی مجدد و اصلاح کاستی ها برغناي کتاب خواهد افزود. ذکر مجدد این

نکته در اینجا ضروری است که مواردی که در این نوشتار تحت کاستی ها به آنها اشاره شد به هیچ عنوان ناقض نقاط قوت و محسنات بسیار این اثر ارزشمند نمی باشد.

کتابنامه

دادگر، یداله (۱۳۸۴) "تکثری بودن اقتصاد سیاسی" فصلنامه پژوهش های اقتصادی، شماره ۱۵، بهار دادگر، یداله (۱۳۹۲) اقتصاد بخش عمومی، چاپ سوم، انتشارات دانشگاه مفید، پائیز، قم.

- Atkinson, A. B., (1970), "On the measurement of inequality", Journal of Economic Theory, Vol.2, PP.244-263.
- Bailey, S. J., (2002), Public Sector Economics: Theory, Policy, Practice, 2nd, ed. Palgrave Macmillan.
- Balleisen, E. J. and D. A. Moss, (2012), Government and markets: Toward a new theory of regulation, Cambridge University Press, Cambridge.
- Bhatia, H. L., (1980), Public Finance, 5th. Revised ed., Vikas Publishing House, PVT Ltd.
- Brown, C. V., And P. M. Jackson, (1992), Public Sector Economics, 4th. Ed., Blackwell Publishers, U. K.
- Musgrave, R. A. and P. B. Musgrave, (1989), Public Finance in Theory and Practice, 5th. Ed., McGraw Hill.
- Rosen, H. S. and Ted Gayer, (2013), Public Finance, 10th. Ed., McGraw Hill.
- Stiglitz, J. E. and J. K. Rosengard, (2015), Economics of the Public Sector, 4th. Ed., W.W. Norton & Company.